



## درس خارج فقه فرهنگ آیت الله اراکی رحمته الله علیه «جلسه ۱»

سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰

در فقه گفتارها بحث می‌کردیم و اقسامی برای آن بیان کردیم که شش مورد از آنها را مورد بحث قرار دادیم؛ بیان تعلیمی، بیان اظهار، بیان ترویجی، بیان نقدی، بیان استهزایی و بیان مزحی. بحث امروز در قسم هفتم از اقسام بیان، یعنی بیان غزلی است.

### بیان غزلی:

[در سال گذشته] بیان غزلی را تعریف کردیم و گفتیم بیانی است که در آن ابراز محبت شدید به شخصی به وسیله آن بیان انجام می‌گیرد.

بیان غزلی دارای انواعی است:

بیان غزلی ابتدا به یک تقسیم اصلی منقسم می‌شود که هر یک از این دو قسم دارای اقسامی می‌باشد؛ دو قسم اصلی عبارت‌اند از:

۱. بیان غزلی متعالی یا غزل آسمانی

۲. بیان غزلی متعارف یا غزل انسانی (از آن تعبیر به غزل پست نمی‌کنیم زیرا پست بودن آن مبتنی بر این است که حرام باشد و همه انواع غزل زمینی حرام نیست به شرحی که بیان خواهیم کرد)

غزل آسمانی به سه قسم است:

۱. اظهار عشق و محبت نسبت به ذات اقدس حق متعال؛ که این برترین غزل آسمانی است.

۲. اظهار عشق و محبت نسبت به انبیاء و رسول اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت اطهار علیهم السلام.

۳. اظهار عشق و محبت نسبت به صالحین و اولیاء؛ مثلاً کسی نسبت به حضرت امام اظهار عشق می‌کند.

امتیازی که این نوع غزل در مقایسه با غزل زمینی دارد این است که این متعلق این غزل و موضوع این غزل موجوداتی است که کمال آنها صرفاً کمال معنوی است و کاری به کمال جسمانی آنها ندارد؛ البته ممکن است کمال جسمانی نیز دارا باشند اما کمال معنوی آنها مدّ نظر است.

غزل متعالی متعلق به ذات اقدس حق متعال به دو شیوه در ادبیات عرفانی ما آمده است؛ یک شیوه اش شیوه ای است که ائمه اطهار (علیهم السلام) از آن شیوه استفاده کرده اند و عالی ترین غزل الهی در کلام ائمه هدی (علیهم السلام) است. و نوع دیگر این غزل در کلام شعرا و ادبای عرفانی آمده است؛ مثل حافظ و مولوی و سعدی و ...

تفاوتی که در غزل الهی اهل بیتی با غزل عرفانی ادبا وجود دارد این است که در غزل اهل بیتی به هیچ وجه از مظاهر زمینی هم استفاده نشده ولو استعارتاً؛ یعنی در غزل اهل بیت (علیهم السلام) اسمی از چشم و ابرو و ... نیامده است؛ اما در ادبیات عرفانی شعرا از این گونه موارد استعارتاً استفاده شده است.

به نمونه هایی از غزل الهی اهل بیت (علیهم السلام) اشاره می کنیم که عجیب ترین نمونه های این نوع غزل پاک در عبارات امیرالمؤمنین (علیه السلام) و سایر ائمه اطهار مخصوصاً امام سجاد (علیه السلام) دیده می شود که به بخشی از مناجات امیرالمؤمنین (علیه السلام) اشاره می کنیم:

«إِلَهِی قَلْبُ حَشَوْتُهُ مِنْ مَحَبَّتِكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا كَيْفَ تَطْلُعُ عَلَيْهِ نَارٌ مُحْرِقَةً فِي لَظَى»

پروردگارا دلی را که از محبت خود لبریز کردی در این دار دنیا؛ چگونه یک آتش سوزانی در جهنم این دل را می سوزاند؟

«إِلَهِی نَفْسٌ أَعَزَّتْهَا بِتَأْيِيدِ إِيْمَانِكَ كَيْفَ تُذَلِّلُهَا بَيْنَ أَطْبَاقِ نِيرَانِكَ»

خداوند! نفسی را که توبه ایمان خودت عزیز کردی، چگونه در بین طبقات آتش در جهنم ذلیلش می گردانی؟

«إِلَهِی لِسَانٌ كَسَوْتُهُ مِنْ تَمَاجِيدِكَ أَنْتَقِ أَثْوَابَهَا كَيْفَ تَهْوِي إِلَيْهِ مِنَ النَّارِ مُشْتَعِلَاتٌ إِلَيْهَا»

پروردگار ازبانی را که با زیباترین مدح خودت آن را پوشش دادی، چگونه شعله‌های ملتهب آتش او را فرا می‌گیرند و می‌سوزانند؟

«إِلَهِ كُلِّ مَكْرُوبٍ إِلَيْكَ يَلْتَجِي وَكُلِّ مَحْزُونٍ إِلَيْكَ يَرْتَجِي إِلَهِ سَمِعَ الْعَابِدُونَ بِجَزِيلِ ثَوَابِكَ فَخَشَعُوا وَسَمِعَ الزَّاهِدُونَ بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ فَفَقِنَعُوا وَسَمِعَ الْمُؤْمِنُونَ عَنِ الْقَصْدِ بِجُودِكَ فَزَجَعُوا وَسَمِعَ الْمُجْرِمُونَ بِسَعَةِ غُفْرَانِكَ فَطَمِعُوا وَسَمِعَ الْمُؤْمِنُونَ بِكَرَمِ عَفْوِكَ وَفَضْلِ عَوَارِفِكَ فَارْغَبُوا حَتَّى أَزْدَحَمَتْ مَوْلَايَ بِبَابِكَ عَصَائِبُ الْعَصَاةِ مِنْ عِبَادِكَ وَعَجَّتْ إِلَيْكَ مِنْهُمْ عَجِيجُ الصَّجِيجِ بِالْإِعْدَاءِ فِي بِلَادِكَ وَلِكُلِّ أَمَلٍ قَدْ سَاقَ صَاحِبَهُ إِلَيْكَ مُحْتَاجاً وَقَلْبٌ تَرَكَهُ وَجِيبُ خَوْفِ الْمُنْعِ مِنْكَ مُهْتَاجاً وَأَنْتَ الْمَسْئُولُ الَّذِي لَا تَسُوذُ لَدَيْهِ وَجْهُ الْمُطَالِبِ وَلَمْ تَزِرْ أَوْ ثَقُلْ بِتَنْزِيلِهِ فَطِيعَاتُ الْمَعَاطِبِ»

تا آنجایی که حضرت می‌فرماید:

«إِلَهِ وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ لَقَدْ أَحْبَبْتُكَ مَحَبَّةً اسْتَقَرَّتْ حَلَاوَتُهَا فِي قَلْبِي وَمَا تَنْعَقِدُ صَمَائِرُ مُوَحِّدِيكَ عَلَى أَنَّكَ تَبْغِضُ مُحِبِّكَ»

خداوندا آنچنان عشق تو در دلم در گرفت که شیرینی این محبت در دلم نشست؛ مگر می‌شود عاشقانی را که قلبشان لبریز محبت توست، دوست نداشته باشی؟ هیچ وقت دل دوست دارانت بر این معنا منعقد نمی‌شود که توانها را دوست نداشته باشی.

«إِلَهِ أَنْتَظِرُ عَفْوَكَ كَمَا يَنْتَظِرُهُ الْمُذْنِبُونَ»

هریک از این جمله‌ها نیاز به شرح مفصلی دارد که چرا حضرت می‌فرماید «أَنْتَظِرُ عَفْوَكَ كَمَا يَنْتَظِرُهُ الْمُذْنِبُونَ»؟ این خیلی مهم است که کسی گناه نکرده باشد اما گناهکاران بسیار گناهکار منتظر عفو تو باشد.

«وَلَسْتُ أَيْأَسُ مِنْ رَحْمَتِكَ الَّتِي يَتَوَقَّعُهَا الْمُحْسِنُونَ»<sup>۱</sup>

و از آن رحمتی که محسنان و نیکوکاران توقع و انتظار آن رحمت را دارند هم مأیوس نیستم.

این نمونه‌ای از بیان غزلی است؛ و در دعای کمیل هم آمده که همه با آن آشنا هستید:

«فَلَيْنَ صَبَّرْتَنِي فِي الْعُقُوبَاتِ مَعَ أَعْدَائِكَ وَجَمَعْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَهْلِ بِلَائِكَ وَفَرَّقْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَحِبَّائِكَ وَأَوْلِيائِكَ فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي صَبْرْتُ عَلَى عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ»؛

بارالها اگر مرا به همراه دشمنان در عقاب و عذاب قرار دهی و بین من و اهل بلا و اهل عذاب خود در یک مجمع جمع نمایی و مرا از اولیاء و دوستان خود جدا سازی، اگر فرضاً صبر و تحمل آن عذاب دردناک را بنمایم ولی رنج و عذاب جانگاہ فراق و هجران را چگونه تحمل نمایم؟

مناجات‌های سیدالسادین علیه السلام هم فراوان است که حضرت در آنها عاشقانه با خدا سخن می‌گوید؛ نظیر مناجات «مریدین» که تمام این مناجات یک غزل بسیار عالی است؛ در قسمتی از آن حضرت می‌فرماید:

«فَقَدْ انْقَطَعَتْ إِلَيْكَ هِمَّتِي وَانْصَرَفَتْ نَحْوَكَ رَغْبَتِي فَأَنْتَ لَا غَيْرَكَ مُرَادِي وَلَكَ لَا لِسَوَاكَ سَهْرِي وَسَهَادِي»

تفاوت «سهاد» با «سهر» این است که در «سهر» ممکن است شخص شب را تا صبح بیدار باشد و مشغول کاری باشد؛ اما «سهاد» بیدار ماندن با درد است و از درد بیدار ماندن را «سهاد» می‌گویند و حضرت در اینجا می‌فرماید از درد فراغ تو خواهیم نمی‌برد.

«وَلَقَاؤُكَ قُرَّةُ عَيْنِي وَوَصْلُكَ مَنَى نَفْسِي وَإِلَيْكَ شَوْقِي وَفِي مَحَبَّتِكَ وَلَهْيِي وَإِلَى هَوَاكَ صَبَابَتِي وَرِضَاكَ بُغْيَتِي وَرُؤْيُكَ حَاجَتِي وَجَوَارُكَ طَلِبَتِي وَقُرْبُكَ غَايَةُ سُؤْلِي وَفِي مُنَاجَاتِكَ أُنْسِي وَرَاحَتِي»<sup>۲</sup>

یکی از اثرگذاری‌های حکومت‌های جور بر مفاهیم دینی ما این است که این‌گونه ادبیات را زیر سوال بردند! و یکی از کارهایی که حکومت‌های جور انجام دادند این است که طراوت

۱. همان؛ ج ۷۰ ص ۱۹۶.

۲. همان؛ ج ۹۴ ص ۱۳۸.

عشق الهی را از دل‌ها زدودند. در مقابل ائمه هدی علیهم‌السلام و مخصوصاً امام سجاد علیه‌السلام تلاش فراوانی در زنده کردن و برافروختن شعله عشق الهی انجام دادند و هرچه از مقوله عشق الهی در جامعه اسلامی زنده مانده است، تمامش اثرگذاری ائمه اطهار علیهم‌السلام است.